

واکاوی فقهی انرژی درمانی و هیپنوتیزم (کتاب)

نویسنده خلاصه: محمود صادقی
نویسنده کتاب: عباس نوری

چکیده

واکاوی فقهی انرژی درمانی و هیپنوتیزم، کتابی در حوزه فقه پزشکی و فقه قضایی، تألیف عباس نوری است که انرژی درمانی و هیپنوتیزم، و کارکردها آنها را از نظر فقهی بررسی می‌کند. مطالب کتاب در سه بخش اصلی سازماندهی شده است. بخش نخست به تعریف مفاهیم پایه مانند انرژی درمانی، هیپنوتیزم و فرادرمانی اختصاص دارد. بخش دوم به تحلیل فقهی این موضوعات پرداخته و مسائلی مانند تطبیق آنها با سحر، ارتباط با جن و ارواح، و بررسی ضررهای احتمالی را مورد بحث قرار می‌دهد. بخش سوم نیز کاربردهای عملی هیپنوتیزم در حوزه‌های پزشکی و قضایی را بررسی می‌کند.

یافته‌های کتاب نشان می‌دهد که انرژی درمانی در صورتی که خطری برای جان افراد نداشته باشد و با جن و ارواح مرتبط نباشد، از نظر شرعی جایز است. اما فرادرمانی به دلیل شباهت به سحر و همراه بودن با عقاید نادرست، حرام شمرده شده است. درباره هیپنوتیزم نیز مشخص شده که استفاده درمانی از آن در مواردی مانند دندان‌پزشکی و زایمان بی‌درد، مجاز است، ولی درباره به‌کارگیری آن در برخی روش‌های روانشناسی، از آنجا که برخی مؤلفه‌های سحر را دارد، جایز نیست. همچنین به نظر نویسنده، کاربردهای قضایی هیپنوتیزم مانند بازجویی یا گرفتن اعتراف، به دلیل احتمال خطا و نبود قصد کامل فرد، اعتبار ندارد.

معرفی اجمالی و انتقادی کتاب

واکاوی فقهی انرژی درمانی و هیپنوتیزم، کتابی در حوزه فقه پزشکی و فقه قضایی است که انرژی درمانی و هیپنوتیزم را از نظر فقه شیعه تحلیل می‌کند. این کتاب که در اصل پایان‌نامه حوزوی عباس نوری است، توسط انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در سال ۱۴۰۰ ش در ۲۵۵ صفحه برای دومین بار منتشر شده است.

ساختار کتاب

کتاب حاضر با چکیده و دو مقدمه آغاز می‌شود؛ مقدمه معاون پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) و مقدمه نویسنده. فهرست مطالب نیز در ابتدا و کتاب‌نامه در انتهای اثر قرار دارد. مباحث اصلی کتاب در سه بخش اصلی تنظیم شده است. بخش نخست به مفهوم‌شناسی و کلیات اختصاص دارد؛ مفهوم اصطلاحاتی مانند انرژی درمانی، هیپنوتیزم، فرادرمانی و نیروی کیهانی، و کلیاتی مانند بررسی انواع هیپنوتیزم، ارتباط تلقین با هیپنوتیزم، حالت‌های مختلف خواب هیپنوتیزمی، کاربردهای هیپنوتیزم در پزشکی و مجوزهای درمان با محرّمات (ص ۲۹-۷۸).

نویسنده در بخش دوم کتاب در دو فصل، انرژی درمانی و هیپنوتیزم را از نظر فقهی واکاوی کرده است. او برای بررسی حکم انرژی درمانی موضوعاتی چون تطبیق سحر با انرژی درمانی

و فرادرمانی، ضررهای مرتبط با انرژی درمانی و فرادرمانی و احکام فقهی مربوط با آنها را تحلیل می‌کند (ص ۱۱۳). همچنین وی برای بررسی حکم فقهی هیپنوتیزم مسائلی چون تطبیق سحر با هیپنوتیزم، ارتباط هیپنوتیزم با تسخیر ارواح و جن، اخبار از غیب، سلطه بر دیگران و ضررهای هیپنوتیزم را مورد مطالعه قرار می‌دهد (ص ۱۲۹-۱۶۴). او در بخش سوم کتاب، حکم فقهی به‌کارگیری هیپنوتیزم در موضوعات روز را بررسی کرده است؛ موضوعاتی مانند دندانپزشکی، زایمان بدون درد، روانپزشکی و قضاوت و کشف جرم (ص ۱۸۳-۲۲۹).

ساختار نامنسجم

کتاب ویراستاری ادبی نشده است؛ رعایت نشدن دستور زبان فارسی معیار، خوانش جملات و حتی فهم برخی عبارت‌ها را دشوار کرده است. مباحث کتاب در مواردی ساختار مناسب و منسجمی ندارد و نویسنده در مواردی نتیجه فقهی و نهایی مباحث را تنها در چکیده کتاب آورده است، نه در خلال بحث‌ها و نه در جمع‌بندی مباحث کتاب.

جواز انرژی درمانی به حکم اولی

به نظر عباس نوری، انرژی درمانی در صورتی که خطر جانی نداشته باشد، اشکال ندارد (ص ۵-۶). او چهار عامل اصلی را که در تعیین حکم شرعی انرژی درمانی نقش دارند، بررسی کرده است (ص ۲۳۴):

سحر؛ به نظر او انرژی درمانی سحر نیست؛ چون انرژی درمانی از سه ویژگی سحر، تنها یکی ویژگی آن (مخفی بودن اسباب) را دارد و فاقد دو ویژگی دیگر (نمایش خلاف واقع و حيله) است (ص ۸۴-۸۸).

ارتباط با جن، ملائکه و ارواح؛ به گفته مؤلف، در انرژی درمانی، ارتباطی با جن، ملائکه و ارواح برقرار نمی‌شود (ص ۲۳۵). هرچند عباس نوری به‌کارگیری جن، ملائکه و ارواح مؤمنان را در انرژی درمانی به خودی خود بی‌اشکال قلمداد کرده است؛ زیرا به چنین ارتباط‌هایی موضوعاً سحر گفته نمی‌شود. اما اگر عنوان حرام دیگری بر این ارتباط‌ها منطبق شود (مانند اذیت و آزار جن یا روح مؤمن) حرام خواهد بود (ص ۱۰۱-۱۰۴).

اضرار به نفس؛ نویسنده پس از بررسی صغروی اضرار در انرژی درمانی، چنین نتیجه گرفته است که انرژی درمانی از این جهت اشکالی ندارد؛ چون ضررهایی که برای انرژی درمانی گفته می‌شود، در اغلب موارد (خصوصاً اگر به دست فرد ماهر انجام شود) قابل کنترل است (ص ۱۱۱).

عقاید باطل مدعیان این روش؛ به گفته نویسنده، در انرژی درمانی مصطلح، عقیده هیچ دخالتی ندارد و افراد با باورهای صحیح نیز می‌توانند از آن استفاده کنند (ص ۱۱۲).

حرمت فرادرمانی

مطابق یافته‌های عباس نوری، فرادرمانی حرام است (ص ۶). او فرادرمانی را یکی از شاخه‌های انرژی درمانی (ص ۸۳)، ولی با ماهیتی کاملاً عرفانی معرفی می‌کند و چهار عامل اصلی را که در حکم آن تأثیر دارند، بررسی کرده است (ص ۸۸):

سحر؛ او هر سه ویژگی سحر (مخفی بودن اسباب، نمایش خلاف واقع و حيله) را در فرادرمانی ثابت دانسته، آن را از مصادیق سحر بر می‌شمارد (ص ۹۰-۱۰۱).

اضرار به نفس؛ در فرادرمانی اگر چه ضررهایی برای بیمار ذکر شده، اما با توجه به قابل کنترل بودن آن در اغلب موارد، اشکالی ندارد (ص ۱۱۱). به گزارش نویسنده، اکثر فقیهان

با استناد به ضررهای جانی قابل اعتنا، فرادرمانی را برای درمان‌گر جایز نمی‌دانند، مگر آنکه با تعطیلی آن اخلاص نظام به وجود آید (ص ۱۱۳).

عقاید باطل مدعیان این روش؛ به گفته نویسنده، بهره‌گیری از فرادرمانی، متوقف بر پذیرش باورهایی است که با برخی آموزه‌های دینی در تضاد است (ص ۱۱۳)، باورهایی مانند اعتقاد به تناسخ، محال‌بودن بقا در جهنم و خرافی‌دانستن ارتباط بین قربانی‌کردن و دفع بلا (ص ۱۱۴-۱۲۷).

ارتباط با جن، ملائکه و ارواح؛ به گفته مؤلف، در فرادرمانی از نیروی جن، استفاده می‌شود (ص ۲۳۵). با این حال عباس نوری به‌کارگیری جن، ملائکه و ارواح مؤمنان را در انرژی‌درمانی به خودی خود بی‌اشکال قلمداد کرده است (ص ۱۰۱-۱۰۴). او معتقد است تنها در صورتی که جن مسلمان باشد و با اکراه به خدمت گرفته شود، عنوان حرمت آزار و اذیت مسلمان بر این عمل منطبق شده، حرمت آن را در پی خواهد داشت (ص ۲۳۵).

جایز بودن برخی مراحل هیپنوتیزم

عباس نوری درجات شش‌گانه‌ای را برای هیپنوتیزم توضیح داده (ص ۵۴-۵۵) آن را به دو قسم کلی خودهیپنوتیزم (هیپنوتیزمی که به وسیله خود شخص انجام می‌شود) و دگرهیپنوتیزم (هیپنوتیزمی که به وسیله شخص دیگری انجام می‌شود) تقسیم می‌کند (ص ۱۲۹). او پنج عامل اصلی را که در حکم شرعی هیپنوتیزم نقش دارند، بررسی می‌کند (ص ۲۳۴):

فقدان ویژگی‌های سحر در خودهیپنوتیزم

نویسنده معتقد است در خودهیپنوتیزم، حتی اگر تلقینات غیرواقعی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را سحر دانست؛ چرا که فریب و نیرنگ نسبت به خود شخص بی‌معناست. اما در صورتی که دگرهیپنوتیزم با تلقینات دروغین همراه باشد، همه ویژگی‌های سحر وجود خواهد داشت؛ ولی اگر بدون این تلقینات انجام شود، برخی از عناصر سحر محقق نمی‌شود (ص ۱۳۰-۱۳۷).

جواز مسخرشدن انسان برای جن یا روح

مؤلف پس از بررسی امکان تسخیرشدن انسان توسط جن یا روح (ص ۱۲۸-۱۵۰)، حکم مسخرشدن انسان را بررسی کرده است. به نظر نویسنده، اگر مسخرشدن انسان ضرری نداشته باشد، بر اساس قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم» هیپنوتیزم جایز است. در صورتی که این قاعده ناتمام دانسته شود، باز هم طبق اصول عملیه، مسخرشدن انسان تا زمانی که برای کار حرامی مثل جاسوسی نباشد، اشکالی ندارد، حتی اگر هدف از آن، کسب قدرت فوق‌العاده یا کشف حوادث گذشته یا کشف اشیای گمشده باشد (ص ۱۵۰-۱۵۳). نویسنده در مسئله قضاوت، علم قاضی را که از راه‌های نامتعارف به دست آمده باشد، ناکافی دانسته است (ص ۱۵۲).

جایز بودن برخی اخبارهای غیبی

در هیپنوتیزم ممکن است فرد هیپنوتیزم‌کننده با تسخیر هیپنوتیزم‌شونده، اطلاعاتی از گذشته یا آینده او ارائه دهد. به گفته نویسنده چنین اخباری یا با واسطه جن و روح و یا بدون واسطه آنها انجام می‌گیرد که احکام متفاوتی دارد.

اخبار از غیب بدون واسطه جن و روح؛ در چنین فرضی اگر هیپنوتیزم‌کننده به طور احتمالی خبر دهد و این اخبار نادرست باشد، عمل او دروغ و حرام است. اما اگر اخبارش قطعی و

مطابق واقع باشد، حرمتی ندارد؛ چنان‌که محقق خویی نیز به عدم حرمت چنین اخباری قائل است؛ زیرا دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد و روایاتی که از مراجعه به کاهن یا ساحر نهی می‌کند (با چشم‌پوشی از معتبر نبودن برخی از این روایات) شامل حالتی نمی‌شود که هیپنوتیزم‌کننده با جن یا روح ارتباطی ندارد.

اخبار از غیب با واسطه جن و روح؛ به نظر نویسندگان، دریافت اطلاعات از طریق جن و ارواح، مصداق کفانت (پیشگویی) است. درباره تعریف دقیق کفانت اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای آن را شامل خبر دادن از گذشته و آینده می‌دانند، و برخی فقط خبر دادن از آینده به کمک جن را کفانت می‌شمردند. مطابق دیدگاه مشهور فقها، کفانت و یادگیری آن حرام است، اما سید ابوالقاسم خویی دیدگاه متفاوتی دارد و معتقد است مدلول روایاتی که از مراجعه به کاهن نهی کرده، بر حرمت ذاتی اخبار از غیب دلالت ندارد، بلکه نهی در آنها ارشادی است و هدف آنها حجیت‌نداشتن سخنان کاهن است (ص ۱۵۴-۱۵۸).

جواز مسلط کردن دیگران بر خود

از آنجا که در هیپنوتیزم، ممکن است هیپنوتیزم‌کننده بر هیپنوتیزم‌شونده تسلط یابد و یا حتی جن و یا روح را بر او مسلط نماید، حکم فقهی این مسئله دایرمدار پذیرش یا عدم پذیرش قاعده تسلط خواهد بود. به گفته عباس نوری، مشهور فقیهان با استناد به سیره عقلا این قاعده را پذیرفته‌اند. با این حال نگارنده معتقد است، در مسئله هیپنوتیزم نمی‌توان به قاعده تسلط استناد کرد؛ زیرا اولاً چنین سیره‌ای از عقلا وجود ندارد که جن و روح را بر خود مسلط کنند؛ ثانیاً روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» تنها در باب اموال قابل استناد است و نمی‌توان آن را در تسلط بر نفس جاری کرد. برای جاری شدن قاعده تسلط در غیر اموال، برخی فقها به دلیل اولویت، و برخی نیز به مفهوم آیه ۶ سوره احزاب استناد کرده‌اند، که از نظر نویسندگان قابل مناقشه است. عباس نوری با ناتمام دانستن استدلال به قاعده تسلط، به اصول عملیه مراجعه نموده، و با جاری ساختن اصل برائت، به عدم حرمت چنین تسلطی حکم کرده است (ص ۱۵۹-۱۶۴).

حرمت اضرار به نفس در صورت احتمال ضرر

کارشناسان درباره خطرات هیپنوتیزم اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را کاملاً بی‌ضرر و برخی مضر می‌دانند. نویسندگان در ادامه با بررسی سیزده ضرر احتمالی هیپنوتیزم (مثل خواب‌آلودگی، سوء استفاده و فاش شدن اسرار هیپنوتیزم‌شونده) به این نتیجه رسیده است که با توجه به پیچیدگی‌های هیپنوتیزم، احتمال بروز خطرات در آن وجود دارد (ص ۱۶۵-۱۷۴). وی در ادامه حکم هیپنوتیزم را از جهت احتمال ضرر، از دو زاویه آگاهانه یا غیرآگاهانه بودن بررسی کرده است:

آگاهانه بودن؛ برخی افراد با آگاهی از خطرات، اجازه می‌دهند هیپنوتیزم بر آنان اجرا شود. مؤلف با بررسی آراء مختلف فقها، قدرمتیقن از حرمت اضرار به نفس را موردی دانسته که هیپنوتیزم خطر جدی جانی داشته باشد و هدف عقلایی بر آن مترتب نشود، که در چنین حالتی حتی اگر ضرر قطعی نبوده، تنها احتمال آن وجود داشته باشد، هیپنوتیزم حرام خواهد بود (ص ۱۷۵-۱۷۷).

ناآگاهانه بودن؛ عبارت نویسندگان در توضیح حکم این بخش روشن نیست؛ در مواردی که ضرر جانی یا غیرجانی وجود داشته باشد، نویسندگان ابتدا با استناد به ادله حرمت ایذا، آن را حرام دانسته است، ولی در ادامه در مواردی که ضرر غیرجانی باشد، دلیلی بر حرمت آن نیافته، آن را مشمول ادله برائت می‌داند (ص ۱۷۸). با این حال به باور نویسندگان، اگر هیپنوتیزم

برای درمان بیماری استفاده شود، بر اساس روایات می‌توان آن را جایز دانست؛ حتی اگر این روش خطرات احتمالی داشته باشد (ص ۱۷۹).
کارکرد هیپنوتیزم در پزشکی
نویسنده در بخش سوم کتاب کاربردهای هیپنوتیزم را در حوزه پزشکی، قضاوت و کشف جرم از نظر فقهی بررسی کرده است (ص ۱۸۲).

سحرنبودن هیپنوتیزم در دندانپزشکی
به گفته مؤلف، از آنجا که استفاده از هیپنوتیزم برای بی‌حسی دندان کم‌خطر است، از نظر فقهی به کارگیری هیپنوتیزم در دندانپزشکی به سبب ضررنداشتن با اشکال مواجه نمی‌شود (ص ۱۸۶). وی در ادامه تطبیق سحر بر هیپنوتیزم در دندانپزشکی را بررسی کرده و برای این منظور مراحل و روش‌های مختلفی را که در هیپنوتیزم برای دندانپزشکی استفاده می‌شود، شرح داده است (ص ۱۸۶-۱۹۸). به نظر نگارنده، هیپنوتیزم‌های سبک یا عمیقی که برای دندانپزشکی استفاده می‌شود، در صورتی که برای هیپنوتیزم‌کردن استفاده شود، برخی از ویژگی‌های سحر (مانند خلاف واقع‌بودن، فریب و مخفی‌بودن اسباب) بر آنان تطبیق می‌شود؛ ولی اگر اقدامات و تلقینات پس از تحقق کامل هیپنوتیزم انجام شود، از قبیل سحر نخواهد بود (ص ۱۹۹).

همچنین او معتقد است، تلقین‌های خاصی که برای کنترل خونریزی یا بازماندن دهان و کارهایی مانند آن، انجام می‌شود، برای تعیین حکم فقهی آن علاوه بر بررسی سحرنبودن یا سحرنبودن آن، باید رضایت‌داشتن یا نداشتن بیمار نیز بررسی شود. وی معتقد است رضایت اولیه بیمار برای هیپنوتیزم، رضایت ضمنی برای تلقینات خاص نیز به شمار می‌آید. علاوه بر اینکه این تلقینات ذاتاً مستلزم آزار بیمار نیست و اگر اذیتی رخ دهد، یا به خود هیپنوتیزم مربوط است یا به عملی اجتناب‌ناپذیر که با تلقین انجام شده است (ص ۲۰۰).

جایزبودن هیپنوتیزم در زایمان بدون درد
نگارنده، هیپنوتیزم در زایمان‌های بدون درد را در دو روش خودهیپنوتیزم و دگرهیپنوتیزم بررسی کرده است. به گفته نویسنده مشکل اصلی که در روش خودهیپنوتیزم وجود دارد، شرطی‌شدن شخص به علامت‌های خاص است. اما از آنجا که مشکل شرطی‌شدن تنها در حالت‌های متوسط و عمیق رخ می‌دهد، که در خودهیپنوتیزم اساساً وجود ندارد، اشکالی به وجود نمی‌آید. همچنین شخص می‌تواند برای جلوگیری از این خطرات، به جای استفاده از شرط‌های ساده، از شرط‌های پیچیده استفاده کند. در روش دگرهیپنوتیزم نیز زن باردار می‌تواند با تلقین‌کردن به خود، از شرطی‌شدن و بروز این ضرر پیش‌گیری کند. به نظر نویسنده، استفاده از هیپنوتیزم برای جلوگیری از اسفراغ‌های دوران حاملگی، در صورتی که با تلقینات عمیق همراه باشد، سحر است که باید از آن اجتناب شود. اما در صورتی که تلقینات برای افزایش تأثیر هیپنوتیزم باشد، اشکالی ندارد و در موارد شک نیز با تمسک به برائت، به جواز چنین تلقینی حکم می‌شود (ص ۲۰۱-۲۰۷).

وجود برخی مؤلفه‌های سحر در هیپنوتیزم در روانشناسی
به گفته نوری، هیپنوتیزم در روانپزشکی و روانشناسی بالینی برای درمان اختلالاتی مانند اضطراب، استرس، فوبیا، افسردگی، مشکلات خواب، ترک سیگار و غیره کاربرد دارد (ص ۲۰۷). وی در ادامه به توضیح برخی از این اختلالات و حکم فقهی آنها می‌پردازد:

درمان اختلال اضطراب با هیپنوتیزم؛ نویسنده پس از توضیح این اختلال و چگونگی درمان آن با هیپنوتیزم، آن را از جهت ضرری بودن و مطابقت داشتن با سحر بررسی می‌کند. به گفته او، در صورتی که هیپنوتیزم توسط شخص ماهر انجام شود، خطرات مهمی به وجود نمی‌آید، اما با توجه به تلقین‌های غیرواقعی مؤلفه‌های سحر در آن وجود دارد (ص ۲۰۷-۲۱۲).

اختلال فوبیک؛ به نظر نویسنده، به کارگیری هیپنوتیزم برای درمان اختلال فوبیک در صورتی خطرناک است که با شرطی‌سازی بیمار به نشانه‌های خاصی همراه شود. همچنین او معتقد است در صورتی مؤلفه‌های سحر بر این نوع درمان منطبق می‌شود که تلقینات خاص در جهت هیپنوتیزم عمیق باشند (ص ۲۱۲-۲۱۶).

اختلال پس از سانحه و تصادف؛ به گفته نویسنده، درمان اختلال پس از سانحه مشابه درمان اختلال اضطراب است و استفاده از هیپنوتیزم و شرطی‌سازی باید توسط متخصص انجام شود تا ضرر مهمی ایجاد نشود (ص ۲۱۹).

به نظر نویسنده، استفاده از هیپنوتیزم برای کشف منشأ اختلال‌های روانی، گاهی به گونه‌ای انجام می‌شود که عنوان سحر یا ضرر بر آن منطبق می‌شود، و گاهی بر آن منطبق نیست که هر یک حکم فقهی متفاوتی دارند. نویسنده معتقد است، استفاده از هیپنوتیزم برای تجویز راهکار و دارو، به میزان خطای درمانگر، پیامدهای احتمالی اشتباه و شدت بیماری بستگی دارد که تنها در سه حالت قابل تأیید است: ۱. درصد خطا نزدیک به صفر باشد؛ ۲. پیامدهای اشتباه قابل مدیریت باشند؛ ۳. پیامدهای عدم درمان بدتر از درمان اشتباه باشند (ص ۲۲۰-۲۲۱).

کارکرد قضایی و جنایی

هیپنوتیزم در قضاوت به عنوان ابزاری برای بازجویی، بازسازی صحنه جرم، شناسایی مجرم، گرفتن اعتراف و دستیابی به اطلاعات جهت صدور حکم کاربرد دارد (ص ۲۲۳).

عدم اعتبار بازجویی از راه هیپنوتیزم

گاهی شاهدان به دلیل ترس یا گذر زمان جزئیات را فراموش می‌کنند که هیپنوتیزم می‌تواند با دسترسی به ضمیر ناخودآگاه، اطلاعات مهمی را آشکار کند (ص ۲۲۳). مؤلف برای تبیین حکم شرعی استفاده از هیپنوتیزم در بازجویی، سه جهت را بررسی می‌کند:

تطبیق سحر بر آن؛ تطبیق سحر بر این مورد، به میزان تلقین‌های صورت گرفته وابسته است. آسیب‌های احتمالی؛ در صورتی که هیپنوتیزم به دست فرد ماهر انجام شود، درصد به وجود آمدن خطرات بسیار کم است، اما در صورتی که شخص ماهر نباشد، حکم به جواز آن، مشکل است.

میزان اعتبار اطلاعات؛ به گفته نویسنده، اطلاعات به دست آمده از هیپنوتیزم به تنهایی نمی‌تواند منبع یقین باشد؛ زیرا اعتبار خبر واحد نزد عقلا تنها مربوط به اخباری است که از حس متعارف نشأت گرفته باشد. به نظر عباس نوری، اگرچه خبر فرد هیپنوتیزم شده کاملاً حسی است، اما از آنجا که در حالت خلسه هیپنوتیزمی، امکان القای خطا و توهمات وجود دارد، احتمال خطای آن افزایش یافته، موجب کاهش اعتبار آن می‌شود (ص ۲۲۳-۲۲۹).

بی اعتبار بودن اعتراف و شهادت با هیپنوتیزم

به گفته نویسندگان، اعتراف یا شهادت در صورتی مشروعیت دارد که بدون تهدید و آزار باشد. نوری معتقد است، اگر فرد با رضایت کامل برای هیپنوتیزم اقدام کند، اشکالی ندارد، اما اجبار یا اکراه او برای انجام هیپنوتیزم (مگر در شرایط تراحم و برای حفظ نظام مسلمانان و حقوق آنان) جایز نیست (ص ۲۳۰). او اعتراف و شهادت بیان شده با هیپنوتیزم را نامعتبر می‌داند؛ زیرا برای اعتراف و شهادت، شخص باید قصد داشته باشد، در حالی که در هیپنوتیزم افراد به دلیل وجود حالت خلسه و وجود احتمال القای خطا و توهم، قصد لازم را ندارند. او دلیل دیگر بر بی اعتباری اعتراف هیپنوتیزمی را، مشکوک بودن شمول قاعده اقرار دانسته است؛ چون این قاعده تنها در مواردی جریان دارد که اعتراف از راه‌های متعارف که کاشفیت دارد، حاصل شده باشد (ص ۲۲۹-۲۳۳).

